

فراموش نخواهید شد

از دختر کی ۱۱ ساله که قهرمان کاراته بود؛ تا امداد گری که برای نجات زخمی هارفت، مرد جوانی که تازه پدر شده بود و نابغهای که عاشق ایران بود؛ به بهانه چهلم شهیدای تجاوز اسرائیل به کشورمان، روایت‌هایی داریم از شهدایی که لبخند، آرزو و خانواده داشتند و نباید بخش کوچکی از آمارهای بی‌روح باشند

صابری ابیشتراز ۴۰روز از تجاوز دشمن گذشت و حالا نباید اجازه دهیم شهیدان مان به عددی ساده در میان آمارهای خشک و بی‌احساس تقلیل پیدا کنند. نمی‌شود با بی تفاوتی از کنار صدها داستان ناتمام و آرزوهای بر باد رفته گذشت. در آن تجاوز، کود کانی شهید شدند که هنوز دفتر نقاشی‌شان برگ‌های سفید بسیاری داشت؛ دختر بچه‌هایی که هنوز صدای خنده‌شان در گوش پدر و مادری است که در دل، رؤیای دیدن فرزند را در لباس عروسی داشتند؛ پسرانی که تمام معنای زندگی پدر و مادر بودند. پدرانی که‌نان بر سفره می‌آوردند و قامت‌شان کوه‌امید بود برای فرزندان؛ مادرانی که با تمام وجود پناه خانه بودند و صدای لا لا بی‌شان آرامش بخش شب‌های کود کان. امداد گرانی که با ایثار، در میانه دود، آتش و موشک، جان‌شان را سپر هموطنان کردند. جوان‌هایی که آرزوی ساختن و سرو سامان گرفتن داشتند و حالا جاودانه شدند. این افراد هرگز فقط از قام بی‌روح و ساکت نیستند؛ در پس هر عدد به ظاهر ساده، هزاران رو یا، خاطره، عشق و فر دایی کشته شده نهفته است. بیایید صدای این قصه‌های زنده باشیم. نباید بگذاریم جهان یادش برود که در آن روز ها مردمی شهید شدند که هر کدام فصل روشنی از کتاب زندگی ما بودند. باید با صدای بلند و قلبی پر از ایمان فریاد کنیم که یاد شهدای مان در دل تاریخ و جان جامعه مان تا همیشه زنده خواهد ماند. این داغ فراموش شدنی نیست؛ این ویژگی نامه کوچک تلاش است برای آن زنده نگه داشتن روایتی بزرگ که باید بماند برای آیندگان از شهدایی که غربانه رفتند اما نجوای شان در گوش تاریخ خواهد پیچید.

می‌گفت مامان می‌خوام سر بلندت کنم

مادر هلنا غلامی، قهرمان ۱۱ ساله کاراته از شهادت مظلومانه دخترش می گوید که آرزوها برای او داشت

فائزه مهاجر | روزنامه نگار

در میان شهدای مظلوم غیر نظامی ۱۲ روز دفاعی که برابر تجاوز دشمن داشتیم، نام دختری ورزشکار و موفق می‌در خشد؛ هلنا غلامی ۱۱ ساله، دختری از خطه لرستان، عضو تیم ملی کاراته بانوان، با آرزو هایی بلند و قلبی سرشار از عشق به ورزش، سخت کوش و خندان. مادر صبور هلنا در گفت و گو با ما از دخترش می گوید که همیشه به مادر می گفت می‌خواهم سر بلندت کنم.

🕊 آرزو ها برای دخترم داشتم

خانم دژاگاهی مادر صبور و آرام هلنا، در این گفت و گو با صدایی بغض آلود از دختر شهیدش می گوید... «من فاطمه دژاگاهی مادر هلنا غلامی هستم. هلنا متولد سال ۱۳۹۳ بود. دختری بسیار پرتلاش، کنجکاو و قوی، باور نمی کردم که

۴۰ سال وقف ماندگار؛

وقف، یکی از جلوه‌های ماندگار فرهنگ اسلامی و ایرانی است؛ تجلی نیت‌های خیرخواهانه‌ای که قرن‌هاست در خدمت مردم باقی مانده‌اند. در این میان، موقوفه‌هایی چون موقوفه «میرزا محمد محسن رضوی» یا سابقه‌ای پر بار، نه تنها بخش مهمی از هویت شهر مشهد را شکل داده‌اند، بلکه در توسعه اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی این منطقه نقش‌آفرین بوده‌اند.

برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌ها، اهداف و برنامه‌های این موقوفه، گفت‌وگویی داشتیم با ناظر محترم آن، آقای دکتر محمد حسینی که در طی سال‌ها تجربه در حوزه نظارت در دیوان محاسبات کشور و مجلس شورای اسلامی خدمت کرده است که در ادامه می‌خوانیم.

جناب آقای حسینی، به عنوان ناظر موقوفه میرزا محمد محسن رضوی، لطفاً ابتدا توضیح مختصری در باره این وقف‌نامه و تاریخچه آن بفرمایید.

● **آقای حسینی:** با سلام و تشکر از فرصتی که فراهم شد. موقوفه میرزا محمد محسن رضوی در سال ۱۰۵۵ هجری قمری وقف شده است. میرزا محمد محسن رضوی، با توجه به مفاد وقف‌نامه، در سال ۱۰۵۲ هجری قمری در مشهد مقدس، با عنایت به جایگاه برجسته و املاک فراوان خود، اقدام به تنظیم وقف‌نامه‌ای نمود و در سال ۱۰۵۵ هجری قمری، در سفر به مکه مکرمه در اصفهان، این وقف‌نامه را امجداً احیا کرد. این وقف‌نامه از نوع وقفیات خاص اولاد است و شامل حدود ۶۰ رقبه، آسیاب، دکان، حیاط و سایر املاکی است که در اختیار ایشان بوده و به صورت وقف مؤبد و حبس مخلد بر اولاد ذکور معین نسل در نسل، وقف شده است.

حدود ۴۰۰ سال از تاریخ این وقف‌نامه می‌گذرد. در زمان حیات واقف، ایشان دارای چهار فرزند به نام‌های میرزا ابوالقاسم، میرزا ابوالقاسم، میرزا احمد و میرزا معصوم بوده‌اند که هر یک به تناسب شرایط خود، از منافع موقوفه بهره‌مند می‌شدند. از این میان، سه فرزند رضوی در سفر به مکه مکرمه در اصفهان، این وقف‌نامه را امجداً احیا کرد. این وقف‌نامه باقی مانده‌اند. نکته حائز اهمیت در وقف‌نامه، که برای موقوف‌علیهم، عموم مردم و دستگاه‌های اجرائی اهمیت دارد، این است که تمامی منافع این رقیات به اولاد ذکور در نسل‌های مختلف اختصاص یافته است و حتی تصریح شده است که در صورت انقضای نسل ذکور، موقوفه بر اولاد اثاث ذکور وقف می‌شود. بر این اساس، تا به امروز، با وجود اینکه تعدادی از افراد فاقد اولاد ذکور بوده‌اند، بر اساس رویه‌های جاری، این حصه‌ها در اختیار ذکور قرار گرفته است.

در وقف‌نامه، شروط معین و مفصلی ذکر شده است. اولین شرط این است که اولاد ذکور در مشهد مقدس سکونت داشته باشند و نوعی در این شهر به کار و فعالیت بپردازند و در خدمت آستان مقدس حضرت رضا(ع) باشند و بتوانند این موقوفه را بر اساس نیت واقف، حفظ و استمرار بخشد. ضمناً، تولیت موقوفه به شخص خاصی واگذار نشده است و مقرر شده است که موقوف‌علیهم در زمان حیات خود، به صورت فردی یا جمعی، نسبت به اداره و رسیدگی به امور موقوفه اقدام کنند. حتی ذکر شده است که در صورت غیبت برخی از موقوف‌علیهم، افراد حاضر (برادران ایشان) قدرالسهم آن‌ها را که در اختیارشان بوده، اداره و کارهای کشاورزی و سایر امور مربوط به زمین‌ها را انجام دهند. غایبان از دو اقدام منع شده‌اند: اول اینکه بدین ترتیب، زمین‌ها را ناظر ندارند و دوم اینکه حق اداره دادن ملک به غیر از برادران اولاد در مشهد را ندارند. در ادامه تصریح شده است که تولیت به شخص خاصی اختصاص ندارد و هر یک از موقوف‌علیهم به میزان سهم خود، حق تصرف در موقوفه را دارند و در انتقابه نیز یکی از شروط این است که هیچ‌یک از دستگاه‌های دولتی در منافع موقوفه شریک نشوند.

شرایط وقف در زمان‌های قدیم و به نوعی در این موقوفه چگونه بوده است؟

● **آقای حسینی:** با توجه به اینکه بحث وقفیت به خصوص وقف عام از زمان‌های بسیار دور در بین بیشتر مسلمان رایج است، وقف را به عنوان یک سنت حسنه و پسندیده مورد احترام مردم می‌باشد. افراد با توجه به شرایطی که داشتند و املاکی که در اختیار داشتند طی سال‌های گذشته این مورد را به عنوان وقف عام یا وقف خاص برای امانکن متبرکه یا برای انجام یک سری نیت‌ها مبنی بر روضه خوانی مبنی برپا داشتن عزاداری‌های متعدد برای امامان یا انجام یک سری فربضه‌ها در یک روزهای خاص یا کمک به مستمندان این موارد، نیت‌های بسیار زیادی است که واقفین در طی سال‌های گذشته داشتند در این وقف نامه یا در وقف‌نامه‌های اولادی بیشتر در تمرکز و حفظ کردن موقوفه و نیت واقف مبنی بر اینکه نامش زنده باشد و به نوعی اولاد خود استفاده کنند و در وقف‌نامه، تاکید ویژه‌ای بر سکونت موقوف‌علیهم در مشهد و انجام اقدامات لازم برای حفظ و اداره موقوفه توسط افراد حاضر در مشهد در هر زمان، وجود دارد.

در انجام نیت واقف در وقف نامه در شرایط گذر زمان چه اتفاق‌هایی افتاده و موضوع تقسیم میرزا محمد سال ۱۳۱۲ چیست؟

● **آقای حسینی:** در پاسخ به سوال سوم درباره نیت واقف و تقسیم‌نامه سال ۱۳۱۲،

ناظر موقوفه میرزا محمد محسن رضوی: نیت واقف، هدایت‌کننده ما در اداره موقوفات است



سایر موارد، مطابق قوانین و مقررات به درستی انجام شود.

در خصوص بهبود روند کارها، پیشنهاد می‌شود نظارت دقیقی بر عملکرد موقوف‌علیهم صورت گیرد و در مواردی که قوانین و مقررات رعایت نمی‌شود، از طریق مراجع قضایی یا تذکر مستقیم، نسبت به اصلاح رویه‌ها اقدام شود.
منتقدیم که با حضور خود در این مدت، توانسته‌ایم رویه‌های قبلی را اصلاح کرده و از افزایش تعداد پرونده‌ها در محاکم قضایی و اختلافات در اداره موقوفه جلوگیری کنیم و اطمینان بیشتری از زمین‌های موقوفه برداریم.

در ادامه، یک وبسایت طراحی شده است که اطلاعات مربوط به موقوفه در آن بارگذاری می‌شود. این امکان به مستأجرین داده می‌شود تا بتوانند اطلاعات مربوط به مقرر خود، حصه تصرفی و موقوف‌علیهمی که باید سند صادر کنند را مشاهده کنند و از مراجعه به افراد غیر مجاز و تضییع حقوق خود جلوگیری کنند. هدف از این اقدامات، مدیریت و نظارت بر موقوفه در چارچوب قوانین و مقررات و برقراری رابطه صحیح بین مقرر و مستأجر در تمامی رقیات است تا بتوانیم وجهه موقوفه میرزا محمد محسن رضوی را بهبود بخشیم و مستأجرین با اعتبار و اطمینان بیشتری از زمین‌های موقوفه استفاده کنند.

یکی دیگر از اقدامات مهم، پیگیری برای افزایش پلاک ۶۸ سپس آباد است که با همکاری سایر دستگاه‌ها و موقوفات دیگر که دارای حصه در این پلاک هستند، در حال انجام است. این پلاک به موقوفات مختلف از جمله طهیرالدوله، آستان قدس، سروقدی و میرزا محمد محسن و همچنین اسناد ملکی مردمی تعلق دارد، اما به دلیل ششاع بودن، مستأجرین با مشکلاتی در شهرداری مواجه هستند. از شهردار منطقه سه نیز بابت همکاری و همراهی با موقوفه میرزا محمد محسن رضوی تشکر می‌کنیم که مستأجرین دارای سند از این موقوفه را به هیئت نظارت از جاع می‌دهند تا پس از بررسی و تأیید اعتبار سند، شهرداری بتواند اقدامات قانونی لازم را انجام دهد.

یکی دیگر از عوامل بروز اختلاف بین موقوف‌علیهم و مستأجرین، تفسیرهای متفاوت از اسناد صادره به امضای وکلای مدنی نمی‌رسد توسط موقوف‌علیهم به قدرالاحصه صادر می‌شود. همچنین، تعدادی از موقوف‌علیهم که پیش‌تر وکلای مدنی داشتند،

با برگزاری جلسات و مذاکرات، وکالت آن‌ها را باطل کرده‌اند. البته، هر یک از موقوف‌علیهم برای انجام امور خود، دفاتر جداگانه‌ای دارند و تعدادی از افراد را برای انجام کارهای اداری استخدام کرده‌اند که این افراد در کنار موقوف‌علیهم فعالیت می‌کنند و حقوق دریافت می‌کنند که این موضوع منع قانونی ندارد.

همچنین، با همکاری سایر نهادهای، در تلاش هستیم تا با شناسایی و دریافت مدارک و خود می‌توانند نسبت به انجام سند اجاره به مدت سه سال اقدام کنند که این موضوع نیازمند پیگیری بیشتر است تا شخصیت حقوقی موقوفه و مسائل مربوط به حساب‌ها و

کنیم تا نظارت بهتری بر امور موقوفه صورت گیرد.»

یابد.

با توجه به شرح وظایف و نظارت بر رویه‌های موقوف‌علیهم، جلسات متعددی برگزار شده و شناخت جامعی از خود موقوفه، سوابق موجود بین موقوف‌علیهم فضای اجرایی لرستان مشهد، بهویژه شهر مشهد، حاصل شده است. بازدید از رقیات تحت تصرف موقوف‌علیهم نیز از جمله اولین اقدامات انجام شده توسط ناظر بوده است.

تشکیلاتی در کنار اداره ناحیه ۴ مشهد، بر اساس حکم صادره با همکاری ایشان ایجاد شده و تعدادی از افراد آگاه به مسائل موقوفه، به منظور انجام بهتر وظایف محوله، در این تشکیلات گرد هم آمده‌اند. پیگیری برای اخذ شناسه ملی موقوفه، به عنوان یک شخصیت حقوقی، به منظور مدیریت و نظارت بهتر، از جمله اولین اقدامات در دستور کار بوده است. علاوه بر این، ساخت موقوف‌علیهم و رفع ایماهات موجود در وقف‌نامه برای موقوف‌علیهم، که در برخی از خانواده‌ها منجر به بروز اختلافاتی شده بود، مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مثال، برخی از افرادی که در حال حاضر دارای حکم موقوف‌علیهم هستند، در خارج از شهر مشهد یا حتی خارج از کشور سکونت دارند، در حالی که در وقف‌نامه، شرط سکونت در مشهد ذکر شده است. همچنین، نحوه توزیع حصه فرد فاقد فرزند (بلاعقب) بین سایر موقوف‌علیهم و اعتبار قرار داده‌های سال ۱۳۱۲ و تقسیم‌نامه‌های بعدی، از جمله مسائل مورد بررسی بوده است.

با برگزاری جلسات و مشاوره‌های متعدد با معاونین محترم اداره کل اوقاف استان خراسان رضوی و همکاری مستمر با ناحیه اوقاف ناحیه ۴ مشهد، این مسائل تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه در حال حاضر جمعاً ۲۵ نفر دارای حکم موقوف‌علیهم هستند، استیفای منافع همه این افراد تا زمانی که حکم موقوف‌علیهمی دارند، از نظر ما باطلانم است.

اما در خصوص رتق و فتق (داره و رسیدگی به امور موقوفه)، همانطور که در وقف‌نامه ذکر شده است، این امر باید توسط افرادی انجام شود که به نحوی امکان حضور در مشهد را داشته باشند. با توجه به شرایط کنونی کشور و سهولت تردد، حضور این افراد می‌تواند به صورت دائمی یا غیر دائمی باشد. به منظور استیفای منافع، نامه‌های متعددی به موقوف‌علیهم ارسال شده است.

به منظور ایجاد وحدت رویه و یکسان‌سازی فرآیند اخذ مبالغ اجاره و سایر موارد، آیین‌نامه‌ایی تنظیم و ابلاغ شده است تا تمامی موقوف‌علیهم بر اساس آن عمل نمایند.

روند آتی موقوفه را چگونه می‌بینیم و چه پیشنهاداتی دارید؟

● **آقای حسینی:** با توجه به اینکه استیفای منافع همواره محل بروز اختلاف بوده است، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نحوه اداره موقوفه وجود داشته است. در گذشته، پیشنهادی مبنی بر واریز تمامی منافع موقوفه به یک حساب واحد و مدیریت متمرکز آن توسط تعدادی از افراد مطرح بود تا منافع حاصله بین تمامی موقوف‌علیهم تقسیم شود.

با این حال، با در نظر گرفتن اقداماتی که در طول زمان انجام شده و واگذاری‌هایی که توسط نسل‌های پیشین صورت گرفته است – که در نتیجه آن برخی از رقیات دیگر منفعت چندانی ندارند – و همچنین با توجه به اینکه برخی از موقوف‌علیهم با رعایت قوانین و مقررات، زمین‌ها را در اختیار گرفته یا به صورت مضارعه واگذار کرده‌اند، تصمیم تمامی منافع و تقسیم آن به صورت مساوی بین ۲۵ نفر، امری دشوار و موجب بروز اختلافات بیشتر به نظر می‌رسد.

از این رو، تصمیم بر این شد که هر خانواده به عنوان یک موقوفه فرعی، بر اساس میزان حصه تصرفی خود، به طور جداگانه مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد. در همین راستا، اقدام به طراحی و پیاده‌سازی یک نرم‌افزار واحد در کل موقوفه شده است که به هر فرد، بر اساس سطح دسترسی خود، امکان فعالیت در محدوده رقبه خود را می‌دهد. این امر، انسجام و نظارت دقیق‌تری را به همراه خواهد داشت. در حال حاضر، قراردادهای مربوط به پنج رقبه منعقد شده است که این موضوع می‌تواند به مستأجرین و موقوف‌علیهم در استیفای منافع کمک کند.

با توجه به تجربه حدود هشت به ماهه اخیر در این موقوفه، شناخت ما نسبت به گذشته بسیار متفاوت است با توجه به شرایط موجود، می‌توانیم نظارت بهتری بر وظایف محوله داشته باشیم. در برخی موارد، عدم وجود شناسه ملی، مانع از تحقق شرایط ایده‌آل شده است.

بر اساس نامه معاون محترم قضایی رئیس کل دادگستری خراسان رضوی در امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم که در پایان سال ۱۴۰۲ صادر شده و همچنین نامه مدیر کل ثبت اسناد به دفاتر اسناد رسمی، در حال حاضر موقوف‌علیهم با شماره ملی خود می‌توانند نسبت به انجام سند اجاره به مدت سه سال اقدام کنند که این موضوع نیازمند پیگیری بیشتر است تا شخصیت حقوقی موقوفه و مسائل مربوط به حساب‌ها و

می‌کنم فقط لبخندش را به یاد می‌آورم.»

🕊 نتوانستم آخرین لحظات کنارش باشم

برایم خیلی دشوار است اما از اومی خواهم در باره

روز حادثه و جزئیات آن برابرم بگوید: «مادر اس که

تعطیل شد من از مربی هلنا خواستم چند روزی به هلنا استراحت بدهد چون ۵ مرداد مسابقه داشت و باید سخت تمرین می کرد. سه روز مانده بود به شروع جنگ با هلنا و خانواده رقیم شمال.

روز برگشت، در مسیر اتوبان تهران – قم بودیم که خودروی ما هدف اصابت قرار گرفت. تعریف آن لحظه واقعا دشوار است و شنیدنش با بودن در آن جاودیدن آن صحنه‌ها زمین تا آسمان فرق دارد. یکباره صدای انفجار آمد. دخترم هدف اصابت ترکش قرار گرفته بود. من فقط موهای هلنا را می دیدم و صورتش را که غرق در خون بود. مدام صدایش می زدم و می گفتم چیزی



نیست نگران نباش، خوب می‌شوی. او را فوراً به بیمارستان هفتم تیر شهری منتقل کردند.

ابتدا فکر می کردم که فقط صورتش آسیب دیده، اما بعد متوجه شدیم جراحات وار دشده به سرش شدید است. عکس برداری و معاینات انجام شد و گفتند که وضعیت وخیمی دارد.

فقط دو ساعت هوشیاری داشت و به کما رفت و بعد از دوزش شهید شد. حتی نتوانستم آخرین لحظات هوشیاری کنارش باشم. دست‌های من و برادرش آن شب آغشته به خون هلنا بود و دلمان نمی آمد آن خون را از دستمان پاک کنیم. برادرش که بعد از اصابت ترکش، هلنا را بغل کرده بود تا به سرعت به آمبولانس برساندو

لباسش غرق در خون هلنا شده بود، با گریه به من می گفت نمی‌خواهم این لباس را از تن در بیاورم. خون خواهر مظلوم روی این لباس است. آن لحظات را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم.»

🕊 دوست دارم اسمم توی تیتر روز نامه‌ها و تلویزیون باشد

به این جای مصاحبه که رسیدیم، دیگر اشک امانم نمی‌داد و توان حرف زدن نداشتم. مادر هلنا که متوجه این مسئله شده بود خودش با

متان به صحبت‌هایش ادامه داد:

«هلنا آرزوهای زیادی داشت. دوست داشت خاص باشد. می گفت: «دوست دارم اسمم توی تیتر روز نامه‌ها و تلویزیون باشد. «واقعا هم لیاقتش را داشت. در باشگاه بسیار فعال بود، حتی با ۱۱ سال سن، جانشین مربی شده بود.

مربی وقتی خودش نمی‌توانست سر تمرین برود

ZENDEGI - SALAM

روزنامه خراسان رضوی

شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴

اول صفر ۱۴۴۷

۲۶ جولای ۲۰۲۵

شماره ۲۱۸۲۴

۳۰۴۳



با هلنا تماس می‌گرفت و می گفت خودت کلاس را اداره کن. مربی اش، خانم رضوان بیرانوند، خیلی برای هلنا زحمت کشیده بود. چیزی فراتر از یک مربی معمولی بود و رابطه عمیقی با هلنا داشت. شبی که این اتفاق افتاد، مربی اش هم در شهر خودمان از شدت فشار و ناراحتی این عرصه در بیمارستان بستری شد و بعد از مراسم ختم هلنا تا مدت‌ها نتوانست به باشگاه برگردد. می‌گفت «جای خالی هلنا در گوشه گوشه باشگاه احساس می‌شود و چطور باید بدون او به آن جا قدم بگذارم.» من واقعا همه زندگی‌ام را وقف هلنا کرده بودم. هر شب خاطر اتش را مرور می‌کنم. کتاب‌هایش، وسایل ورزشی اش و لباس‌هایش را هر روز در خانه می‌بینم. نمی‌دانم چطور می‌توانم دوام بیاورم. ما امروز مانده ایم و دلتنگی‌ها. من هر شب با صدایش زندگی می‌کنم. احساس می‌کنم از شبی که این اتفاق افتاده تا امروز حتی ۲۴ ساعت هم نتوانستم بخوابم.»



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....